

چرایی حرکت امام رضا(ع)

از مدینه به سمت خراسان



دکتر امیرحسین هوشینیراستگار مقدم پژوهشگر و محقق

در سال هایی که میان مأمون و امین فرزندان هارون جنگ و ستیز بود، گروهی از فرزندان امام موسی بن جعفر^(ع) قیام و بر بخشی از حکومت گسترده عباسیان تسلط پیدا کردند و مناطقی چون حجاز، یمن، عراق، فارس و خوزستان را از عباسیان باز پس گرفتند. مأمون از این تسلط فرزندان موسی بن جعفر^(ع) بسیار نگران بود، چون اینان با انتسابی که به پیامبر خدا داشتند از مقبولیت در نزد مردم و از امتیازاتی برخوردار بودند. او معتقد بود که اگر قیام علویان به جایی برسد که بغداد را تصرف کنند، حکومت وی سقوط خواهد کرد. او با مشورت با کارگزاران و دوستان صاحب رأی خود به این نتیجه رسید که امام رضا^(ع) را به خراسان بیاورد و به ظاهر خود را از خلافت خلع و به آن حضرت تفویض کند. مأمون با این خیال تصور می کرد که اگر خلافت را به امام رضا^(ع) واگذار کند، برادرانش در شهرهایی که تصرف کرده بودند تابع او خواهند شد و پس از آرام شدن اوضاع، امام رضا^(ع) را به شهادت می رساند و هر یک از برادران او را هم دستگیر و آن ها را از میان بر می دارد، بنابراین امام رضا^(ع) را از مدینه بازو و قهر و بدون رغبت و میل به خراسان آوردند. امام^(ع) به خانواده خود در مدینه گفته بود که من از این سفر دیگر بر نخواهم گشت و در همان جا مرا به شهادت می رسانند. بدین سان نخست به زیارت جدش رسول خدا^(ص) می رود و بعد به مکه، عمره به جا می آورد و سپس عازم عراق می شود و به قادیسیه می رود و تغییر مسیر داده از طریق بصره که بیابان خشکی بود به سمت اهواز و از آنجا به سوی رامهرمز و اصطخر (استخر) فارس و از طریق کویر مرکزی وارد طیس و سپس از طریق کاشمر وارد نیشابور می شوند. این تغییر مسیر معلوم نیست چرا شکل گرفت و در تاریخ ذکری به میان نیامده است. در نیشابور چند ماهی اسکان می یابد و به هنگام خروج، حدیث مشهور سلسله الذهب برای جمع کثیری از دانشمندان و راویان صادر می شود و پس از خارج شدن از نیشابور از طریق رباط سعد و ده سرخ به ناحیه توس و در دهکده سناباد نوقان ابتدا در باغ حمیدبن قطیبه که از استادان آنجا بود وارد می شوند و سپس از طریق سرخس به مرو می رسند.

مأمون به استقبال می آید و عده ای از رجال حکومتی او را شایعت می کردند. پس از چند روزی مأمون با حضرت ملاقات و درخواست قبول خلافت را به ایشان ارائه می کند. حضرت نخست امتناع می کنند، ولی مأمون اصرار دارد و می گوید شما باید آن را بپذیرید. حضرت متوجه می شوند که او بسیار در ارائه خلافت به حضرت جدی است، در اینجا امام^(ع) می فرماید: اگر خلافت به شما تعلق دارد حق ندارید به دیگری واگذار نمایید و اگر خلافت حق شما نیست، باز هم حق واگذاری به دیگری را ندارید؛ بنابراین مأمون پیشنهاد ولایتعهدی را می دهد و البته امام نخست این را هم نمی پذیرد و مأمون بسیار خشمگین می شود و به گونه ای سخن می گوید که ناگزیر باید آن را می پذیرفت. این حرکت مأمون دو پیامد داشت: یکی برای وی منفعت ایجاد کرد و پیامد دیگری جنبه منفی داشت. پیامد مثبت برای مأمون آن بود که تمام حرکت های علوی و قیام آرام شد و سکوت کردند و تابع امام رضا^(ع) شدند، اما پیامد منفی آن بود که گروه عباسیان از مأمون به خاطر این انتساب به خشم آمدند و گفتند مأمون شیعه شده و با او به مخالفت برخاستند. اقبال مردم به امام رضا^(ع) موجب شد که مأمون دسیسه کند تا امام^(ع) را خفیف و کوچک کند و بدین سان مجالس علمی با ادیان و فرق گوناگون برگزار کرد تا امام^(ع) را بیازماید و از پاسخگویی عاجز بماند و با این وسیله در چشم مردم او را کوچک کند. البته مأمون موفق نشد و نتیجه برعکس می شود و نه تنها عظمت حضرت در چشم مردم بیشتر می شود که در نگاه صاحبان علم و اندیشه ادیان و فرق مختلف با عظمت جلوه می کند. کار به اینجا ختم نشد. نماز باران را که حضرت می خواند، اجابت شده و باران می بارد و نماز عید را می خواهد بخواند که سیل جمعیت به صلی و پشت سر حضرت راه می افتد. مأمون می هراسد و از نیمه راه آن حضرت را بر می گرداند، چون این خوف را داشت که مبدا اگر حضرت امر کند به قیام علیه مأمون، آن ها اجابت کنند و مأمون سرنگون شود. از سوی دیگر چون مأمون از قیام عباسیان که او را خلع کرده بودند و فردی به نام ابراهیم بن مهدی را برگزیده بودند مطلع شده بود و می دانست که آنان به علت ولایتعهدی امام رضا^(ع) و مشاور بودن فضل بن سهل و دیگران را به هر شکلی از میان بردارد تا بتواند بدین وسیله اوضاع سیاسی مناطق تحت امر خود را کنترل کند و البته این کار را هم انجام می دهد.

که از جای جای قدومت نرگس بروید

قدمگاه بهبهان



امروز به دنبال قدم های متبرک امام هشتم به شهری کهن می رسم، امام رضا^(ع) سال ۲۰۱ هجری قمری و زمان هجرت از مدینه تا توس در مسیر حرکت از شهر بهبهان یا ارجان قدیم گذر می کنند و مسجد بکان محل توقف قافله می شود، که از آن پس نام آن به نام مسجد امام رضا^(ع) تغییر می یابد و همه ساله روز شهادت امام رئوف، بهبهانی ها تا قدمگاه او پیاده روی می کنند. بهبهان یا ارجان جزو شهر های با سابقه تاریخی ایران است که قدمت تاریخی آن به هزاره دوم پیش از میلاد بر می گردد و در جنوب شرقی استان خوزستان قرار گرفته است. قدمگاه امام رضا^(ع) در هشت کیلومتری شمال بهبهان قرار دارد. بر اساس مدارک موجود، بنای کنونی قدمگاه بکان ریشه در عهد دیلمیان دارد و در طول تاریخ هر زمان که به تخریب کشیده شده، تعمیراتی نه چندان اساسی در آن انجام شده است. شهر تاریخی ارجان که در کنار بهبهان قرار دارد دارای بناهای تاریخی متعددی بوده که در حال حاضر ویرانه هایی از آن ها باقی مانده است.

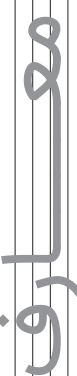
در سنتی قدیمی مردم شهرهای ارجان، بهبهان، منصوریه و دیگر شهرها و روستاهای اطراف، آخرین روز ماه صفر مصادف با سالروز شهادت علی بن موسی الرضا^(ع)، به شوق زیارت امام هشتم، پای پیاده به سوی قدمگاه منسوب به امام رضا علیه السلام واقع در مسجد جامع بکان می آیند. مردم مسیر ۱۰ کیلومتری مساجد و امامزادگان را تا مسجد تاریخی و قدمگاه متبرک حضرت رضا^(ع) با پای پیاده طی می کنند و معمولاً گروه های عزاداری از نخستین ساعت های روز شهادت به صورت دسته های سینه زنی از مساجد و امامزادگان بهبهان و منصوریه به سمت قدمگاه حضرت حرکت و در طول مسیر نیز موبک های متعدد رضوی از آنان پذیرایی می کنند.

نرگس های شهر بهبهان نیز نامشان را روایت های سینه به سینه ای که از امام رضا^(ع) در این دیار نقل می شود، گره خورده است. به اعتقاد مردم محلی به برکت قدوم مبارک امام هشتم شیعیان جهان، امام رضا^(ع)، نرگستان شهر بهبهان پا گرفته است. این گل در منطقه ای محدود به صورت طبیعی رشد می کند.



۳شنبه
۲۱ مهر
۱۳۹۴
شماره ۳۷۸

۱۴



هیچ چیز، در آسمان وزمین، بر خدا مخفی نمی ماند.

سوره آل عمران، آیه ۵
ترجمه آیتا... مکارم شیرازی

امام رضا^(ع)
عیون اخبار الرضا^(ع) ج ۲، ص ۲۷۷

هوشمندی امام رضا (ع) در مقابل مکر مأمون

مروری بر تدابیر زیرکانه و همه جانبه امام در مقابل حکومت عباسی به مناسبت شهادت ایشان

آمنه مستقیمی



شهر مشهد اکنون پذیرای دریای شیعیان است. فقیر و دارا، کوچک و بزرگ، توانا و ناتوان غرق در شوق زیارت امام هشتم^(ع) هستند، امامی که مشهدش، شهری شد، شهری که فرشتگان در آن بال گسترده اند، سؤال های زیادی درباره برخورد امام رضا^(ع)، با مکر مأمون و نحوه شهادت ایشان وجود دارد که به آن ها خواهیم پرداخت. مأمون اگر چه به خیال خود با تحمیل ولایتعهدی به امام رضا^(ع)، بر آل علی^(ع) توفیق می یافت، اما تدابیر عالم آل رسول^(ص) کار را به جایی رساند که خلیفه مکار عباسی راهی جز شهادت حضرت^(ع) پیش رو نیافت ... از این رو، در آستانه سالروز شهادت ثامن الحجج^(ع) و در گفت و گو با حجت الاسلام والمسلمین «سیدمهدی واعظ موسوی»، خطیب مذهبی و از سخنرانان آستان قدس رضوی، مروری داریم بر تدابیر امام رضا^(ع) که هنوز هم راهگشای تاریخ است.

● نحوه برخورد و مواجهه امام رضا^(ع) با حیل‌های مأمون به‌ویژه در موضوع ولایتعهدی چگونه بود و ایشان با چه تدابیری توانستند امیال و نقشه‌های خلیفه عباسی را خنثی کنند؟

امام رضا^(ع) با جبر مأمون به ولایتعهدی برگزیده شدند. مأمون فردی زیرک و باهوش بود و می‌کوشید با این اقدام صدای اعتراض آل علی^(ع) را بخواباند و با این روش هوشمندانه، قیام علویان در جای جای سرزمین‌های اسلامی را بدون ماهیت سرکوب کند و مدعی شود وقتی در رأس آل علی^(ع)، علی بن موسی الرضا^(ع) قرار دارد و ولایتعهدی من را پذیرفته است پس دلیلی برای مخالفت با خلافت و قیام علیه من وجود ندارد!

مأمون درصدد بود بدون درگیری نظامی و از این مسیر، قیام علویان را سرکوب کند و شاید تا حدودی هم موفق شد، اما مهم آنکه امام رضا^(ع)

هوشمندانه شروطی را برای پذیرش ولایتعهدی اجباری بیان کردند تا به جهان اسلام اعلام کنند این پذیرش با طیب خاطر نبوده است و این چنین مکر مأمون را خنثی کردند و تا حد زیادی توفیق یافتند، چون مردم اعم از آل علی^(ع) و جز آن می‌پرسیدند ایشان اگر ولیعهد است، چرا در عزل و نصب‌ها و در دیگر حکومتی دخالت و ورودی ندارد، پس این ولایتعهدی به زور و اکراه و اجبار بوده است. این استراتژی رضوی، جبر مأمون

را بر ملا کرد. ● مسیر و سبک زندگی امام رضا^(ع) در دوران ولایتعهدی چگونه توانست مکر مأمون را بر ملا و دست او را رو کند؟

امام رضا^(ع) در ولایتعهدی تجملاتی نداشتند و به سیره نبوی^(ص) و علوی^(ع) زندگی می‌کردند، این ساده‌زیستی و تواضع نسبت به فقرا، رسواکننده حکومت مأمون بود، چون اوبسیار تجملاتی بود و زندگی ساده امام رضا^(ع) معارض و در تقابل با سبک زندگی خلیفه عباسی قرار داشت. شاهد ماجرا، نماز عید حضرت^(ع) است. مأمون، امام رضا^(ع) را برای اقامه نماز عید فطر اعزام کرد و ایشان با پای برهنه و به سادگی و با عمل به سیره پیامبر^(ص) به سمت بیابان حرکت کردند. شوری خاص مردم را در بر گرفت و حتی افسران مأمون که فرصت باز کردن بند کفش را نداشتند با دشنه بندها را بریدند تا با امام رضا^(ع) همراه شوند... وقتی خبر این فضا و شور و حال به مأمون رسید، اومانع اقامه نماز توسط امام^(ع) شد! چون نماز ساده و همراه با معنویت حضرت ثامن الحجج^(ع)، طمطراق و تجمل‌طلبی مأمون را رسوا می‌کرد.

● مناظرات و میاحثات علمی در تدابیر امام رضا^(ع) برای مقابله با مأمون چه نقشی داشت و چگونه حضرت^(ع) موفقیت‌آمیز بود؟ مناظرات و مباحث علمی امام رضا^(ع) بیش از هر چیز مکر و توطئه مأمون را بر ملا کرد،

حضرت^(ع) یک تنه در مباحث با علمای ادیان و مکاتب شرکت کردند و بر آن ها پیروز شدند و این پیروزی ها آوازه حضرت^(ع) را دوچندان کرد و ایشان بهترین پیام رسانی را داشتند، برای همین هم مأمون دیگر تاب نیاورد و با اینکه خود امام رضا^(ع) را به ولایتعهدی منسوب کرده بود درصدد قتل ایشان برآمد و همان‌طور که برادران یوسف^(ع) درصدد قتل برادر برآمدند تا خود در چشم پدر دیده شوند، مأمون هم برای آنکه‌کانون توجهات باشد و احساس می‌کرد وجود ثامن الحجج^(ع) او را از چشم‌ها انداخته است، نقشه‌قتل حضرت^(ع) را کشید و ایشان را به شهادت رساند.

● چرا مناظرات امام رضا^(ع) تا این اندازه مأمون را سرخورده و نگران کرد؟

جلسه‌های مناظره امام رضا^(ع) به قدری دیدنی بود که گاه از هنگام صبح تا زمان نماز و غذا، متوقف می‌شد و دوباره ادامه می‌یافت، اهمیت این مناظرات در آن بود که عالم آل رسول^(ص) یک تنه مقابل افکار و آرای پیروان ادیان و مکاتب می‌ایستادند، باید بر افکار و آرای مسیحیت و تورات مسلط می‌بودند تا بر آن ها در بحث و جدل توفیق می‌یافتند. همچنین است در مناظره با بزرگان اهل سنت، این‌ها میسر نبود مگر به دلیل علم خاص آن حضرت^(ع) که اکتسابی نبود، بلکه از رسول خدا^(ص) به ارث برده بودند. مأمون اگر چه زیرک بود، اما با آن همه هوش و درایت مقابل امام رضا^(ع) زانو می‌زد و مقهور علوم رضوی بود و مردم بر ایشان در شگفت بودند که چطور با وجود عالم آل محمد^(ص)، کسی چون مأمون باید بر مردم و امت اسلام حکومت

...پس هر که مرا در غربتم زیارت کند، بر من واجب شود که روز قیامت به دیدارش روم.



طرح: علی مصدوبیگنی | شورا

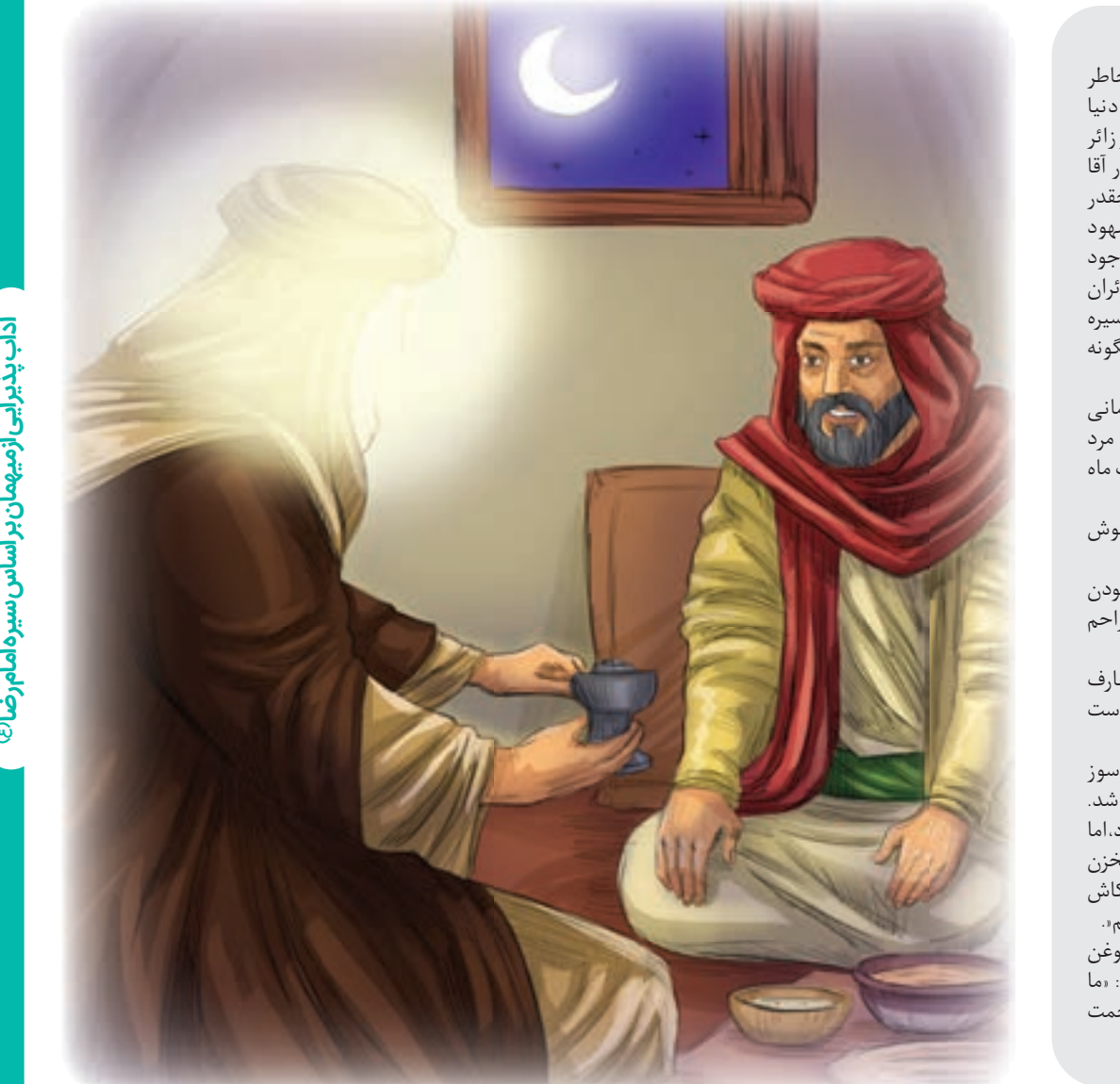
کنند؟! همین هم باعث شد که درصدد قتل امام رضا^(ع) برآید و نتواند آن وجود مقدس را تحمل کند.

● امام رضا^(ع) از تربیون به دست آمده از طریق ولایتعهدی چه استفاده‌هایی برای تبیین اندیشه امامت ولایت داشتند؟

در کتاب های حدیثی آمده زمانی نماز جمعه در شهر مرو هنگامی که علی بن موسی الرضا^(ع) ولیعهد بودند، برپا شد. شخصی محضر امام رضا^(ع) رسید و عرض کرد: امروز مردم در بحث امامت و ولایت با یکدیگر مباحثه داشتند ... حضرت^(ع) تبسم کرده و فرمودند: مردم نمی‌دانند ولایت و امامت چیست، و سپس کلاسی فشرده درباره امامت ولایت برای آن فرد برپا و با این آیه شروع کردند که: «وَإِذْ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنْتَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» (بقره، ۱۲۴). سپس حضرت^(ع) از این آیه، قانونی ابدی را استخراج کردند و فرمودند: این آیه امامت و پیشوایی ظالمان را روز قیامت راباطل کرده است.

این نشان می‌دهد وقتی عترت را کنار قرآن بگذاریم، قرآن توسعه و وسعت می‌یابد، اما وقتی امام^(ع) را از کنار قرآن برداریم، تفسیر و برداشت‌ها سطحی می‌شود. ایشان با این بیان و تعبیر قرآن، امامت هر ظالمی را باطل اعلام کردند و تأکید داشتند هیچ ظالمی نمی‌تواند بر انسان‌ها امامت کند. امام رضا^(ع) به زیبایی از امامت دفاع یا با ایراد حدیث سلسله الذهب، امام را شرط توحید معرفی می‌کردند، این یعنی توحید بدون امامت ولایت، توحید نیست و از آن سواء استفاده می‌شود.

میهمانث هشتم آقا جان بفرمایی بگو



از نام شهر مشهد، یاد امام رضا^(ع) بر خاطر می‌گذرد و قلب شیعه در هر جای دنیا را می‌لرزاند. در فضیلت میزبانی از زائر امام رضا^(ع) زیاد شنیده‌اید که مجاور آقا خوب می‌داند اما مش به زائران خود چقدر محبت دارد. از خاطرات کشف و شهود مشهدی ها بگیرید تا روایت های موجود که امام بسیار به مهر بانی و محبت به زائران تأکید کرده‌اند. امروز با ذکر روایتی از سیره ایشان می‌خواهیم یاد بگیریم چگونه میزبانی باشیم.

یاری از یاران امام نقل می‌کند که زمانی مسافری بر ساحت امام^(ع) وارد شد. مرد به امام^(ع) گفت: «سفر سختی بود. یک ماه طول کشید.»

امام رضا علیه السلام فرمودند: «خوش آمدی.»
«بیخشد که دیروقت رسیدم. بی‌پناه بودن مرا مجبور کرد که در این وقت شب، مزاحم شما شوم.»
امام لیخندی زدند و فرمودند: «با ما تعارف نکن! ما خانواده‌ای میهمان دوست هستیم.»

در این هنگام روغن چراغ گردسوز فرونشست و شعله اش آرام آرام کم نور شد. میهمان دست برد تا روغن در چراغ بریزد، اما امام دست او را آرام برگرداند و خود، مخزن چراغ را پر کرد. مرد گفت: «شمنده ام! کاش این قدر شما را به زحمت نمی‌انداختم.»

امام در حالی که با تکه پارچه‌ای، روغن را از دستش پاک می‌کرد، فرمودند: «ما خانواده‌ای نیستیم که میهمان را به زحمت ببندازیم.»

چنین کنند

بزرگان